

مجموعه مفاهيم علوم اجتماعى - ۲:

# در باب مدارا

نويسنده: مايكل والزر

ترجمه: صالح نجفى

## فهرست مطالب

یادداشت دبیر مجموعه .....	پنج
پیشگفتار .....	نه
مقدمه .....	۱
فصل اول: نگرش های شخصی و سامان های سیاسی .....	۱۱
فصل دوم: رژیم های مداراجوی پنج گانه .....	۱۹
امپراتوری های چندملیتی .....	۱۹
جامعه بین المللی .....	۲۷
رژیم پیوندی .....	۳۰
دولت - ملت ها .....	۳۴
جوامع مهاجرپذیر .....	۴۱
خلاصه .....	۴۸
فصل سوم: موارد پیچیده .....	۵۱
فرانسه .....	۵۱
اسرائیل .....	۵۶
کانادا .....	۶۱
جامعه اروپا .....	۶۶

## فصل اول

### نگرش‌های شخصی و سامان‌های سیاسی

سخن خود را همواره به صورت سلبی آغاز کن؛ این را یکی از آموزگاران پیشینم به من آموخت. نخست آنچه را که نمی‌خواهی انجام دهی به خوانندگان بگو، این کار خاطر آنان را آسوده می‌سازد و بر تمایل شان به پذیرفتن آنچه اکنون پروژه‌ای بی‌ادعا می‌نماید، می‌افزاید. پس من مدافعه خود را از مدارا با بیان دو ویژگی سلبی آغاز می‌کنم. بر سر آن نیستم که کانون توجه خود را بر مدارا با افراد عرف‌شکن یا دگران‌دیش در جامعه مدنی یا حتی در حکومت بگذارم. حقوق فردی چه بسا در بنیاد هر شکلی از مدارا حضور داشته باشد؛ اما آن حقوق در وهله نخست زمانی توجه مرا به خود جلب می‌کند که مورد استفاده همگان باشد (در قالب همگرایی خود خواسته، امور عبادی، نمودهای فرهنگی یا خودمختاری جمعی) و یا زمانی که آن حقوق را گروه‌ها، به نمایندگی از اعضای خود، مطالبه می‌کنند. هنگامی که فرد عرف‌شکن در تفاوت خود تنهاست، مدارا با او کار دشواری نخواهد بود و در عین حال انزجار جامعه از عرف‌شکنی و پایداری در برابر آن گرچه بی‌گمان جالب نیست، مخاطره زیادی در بر ندارد. ارقام مخاطره زمانی بالا می‌گیرد که ما به گروه‌های عرف‌شکن یا دگران‌دیش روی آوریم.

هم‌چنین بر سر آن نیستم که کانون توجه خود را در این جا بر مدارای

سیاسی بگذارم، حیطة‌ای که گروه‌های موردنظر در آن، جنبش‌ها و احزاب مخالف یکدیگراند. رقابت‌هایی که در این حیطة در می‌گیرد همه برای دست‌یابی بر قدرت سیاسی است. چنین رقابت‌ها لازمه رژیم‌های دموکراتیک است که در آن‌ها به معنای حقیقی کلمه حضور رهبران بدیل (با برنامه‌های بدیل) ضرورت دارد حتی اگر پاره‌ای از آنان هیچگاه در هیچ انتخاباتی پیروز نگردند. اینان به اعضای تیم مقابل در بازی بسکتبال می‌مانند که در یک بازی شرکت دارند؛ بی‌حضور تیم مقابل بازی انجام نمی‌گیرد و بدین قرار آنان نیز حق دارند توپ را وارد سبد حریف کنند و اگر بتوانند بازی را ببرند. مشکل تنها از سوی کسانی پیش می‌آید که می‌خواهند بازی را برهم زنند یا متوقف کنند در حالی که باز هم خواستار حقوق بازیکنان و حفظ قوانین‌اند. این‌گونه مسائل در اغلب موارد مشکل‌آفرین‌اند؛ اما نباید آن‌ها را ناشی از مدارا با تفاوت، که جزو ذاتی و جدایی‌ناپذیر سیاست دموکراتیک است، دانست. بیشتر آن‌ها از مدارا با آشوب و بی‌نظمی (یا از قبول مخاطره آن) ناشی می‌شوند که به کلی موضوع دیگری است.

غیرقانونی اعلام کردن حزبی که برنامه‌های ضددموکراتیک دارد نه نشان مدارا نکردن با تفاوت، که تنها نشانگر دوراندیشی و بخردانگی است. مسایل مربوط به رواداری اما بسیار پیش‌تر سر بر می‌آورند، پیش از آن‌که قدرت طرح گردد و در معرض خطر قرار گیرد؛ یعنی آغازش به زمانی باز می‌گردد که نخستین بار اجتماعی دینی یا جنبشی ایدئولوژیک که حزب یاد کرده از دل آن بر می‌خیزد، بنیاد می‌شود. در آن مرحله، اعضای حزب تنها به نحوی تعصب‌آمیز یا ضددموکراتیک متفاوت در میان ما به سر می‌برند و روزگار می‌گذرانند. آیا ما باید با مواضع و اعمال آنان مدارا کنیم و اگر باید چنین کرد (که به اعتقاد من باید کرد)، دامنه این مدارا را تا کجا باید گسترده؟